

کار زینبی، کار حسینی

دوگانه کار زینبی- کار حسینی که در تفسیر عمل زینبی به کار گرفته شده است...



دوگانه کار زینبی- کار حسینی که در تفسیر عمل زینبی به کار گرفته شده است، هر چند در ظاهر متفاوت می‌نماید- چه آنکه زینب، پیامبر دشت کربلا بود و حاصل آن را جاودان ساخت- اما این تفاوت در باطن ملکوتی چندان اثر ندارد؛ چه آنکه این دو عمل در تفسیر ملکوتی هر دو حاصل توحید افعالی و نگرستن به وجه‌الله در وجه تام خویشند و البته شهادت و گواهی بر یکتایی ذات و اراده حضرت باری، از این‌رو هم سنخ و هم ماهیتند.

در این جستار که به مناسبت ولادت زینب کبری(س) فراهم آمده است، می‌کوشیم تا بخشی از این همسانی را عرضه کنیم. زینب(س) فرزند سوم و پنجمین عضو خانواده‌ای بود که 4تن از ایشان از اصحاب کساء و طهارت به شمار می‌رفتند. ولادت او اندکی پس از واقعه مشهور خندق (غزه احزاب) در سال 5هجری روی داد. مسلمانان که در آن معرکه اصل هستی خویش را در خطر می‌دیدند، پس از پیروزی در پراکنده ساختن مشرکان و منافقان از گرداگرد خندق خویش ساخته که به تدبیر سلمان فارسی در برخی بخش‌های جنوبی مدینه ساخته شده بود، اینک ولادت سومین نوه پیامبر اسلام(ص) را در 5جمادی‌الاولی سال 5هجرت به فال نیک می‌گرفتند و آن را نشانه‌ای از نزول رحمت الهی پس از نزول رحمت می‌دانستند؛ رحمتی مضاعف! زینب(س) شاد و سرمست اما تنها 6بهار، رایحه خوش بهاری مادر(س) را استشمام کرد و اجل محتوم او را امکان نداد تا از سیده زنان اهل بهشت بهره بیشتری به غنیمت برد.

غم هجران مادر تنها مصیبت نبود؛ چه آنکه در سال یازدهم هجری درست 75روز پیش از شهادت مادر جد خویش یعنی آخرین بازمانده پیامبران و خاتم انبیا را از دست داده بود که پیامدش انقطاع دائمی وحی بود. اینک اما زینب(س) به وصیت مادر سرپرستی دو برادر را که از او چند سال بزرگ‌تر بودند بر عهده گرفته بود. سالیان فراق مادر هر چند به سختی می‌گذشت، زینب(س) اما شیفته 2برادر بود و با آنکه در جوانی به عقد سخی عرب، عبدالله بن جعفر بن ابی طالب، پسرعمویش درآمده بود، تیمار برادرانش را از یاد نمی‌برد. حوادث به ظاهر شوم و مصایب عظیم زینب(س) بدین جا ختم نمی‌شد. به سال چهل هجری شکاف فرق پدر را نیز به عیان مشاهده کرد که حاصل نفاق مردمانی بود که زینب(س) در میانشان می‌زیست و شاهد کوشش‌های پدر و برادرانش بود برای هدایت ایشان.

اما تقدیر محراب کوفه چنان بود که پیشوای پرهیزگاران را غرق به خون بیند و زینب(س) را در فراقی دیگر پس از فراق نخستین واگذار. استمرار نفاق مردمان بزرگ‌ترین شهر نظامی آن دوران کوفه، اما فصل جدیدی را در زندگی زینب(س) رقم زد. پس از نفاق ایشان با پدر اینک فصل نفاقشان با برادر زینب(س)، حسن(ع) فرارسیده بود. حسن(ع) نیز غرق شدن در خون خیانت را در سابط مدائن تجربه نمود و پس از صلح اجباری با منافق‌ترین چهره تاریخ اینک به همراه خواهر، عازم مدینه می‌گشت. زینب(س) در مدینه بیشتر اوقات خویش را به فراگیری علوم نبوی(ص) از 2برادر می‌گذرانید؛ علومی که جدش بنیانگذار آن شده بود و پدرش ناقل و دروازه ورود به آن و اینک 2برادر بزرگ‌ترین مروج و مبلغ آن به شمار می‌رفتند. نقل شده است که در مسجدالنبی(ص) پرده‌ای می‌آویختند تا برخی زنان بتوانند از افاضات امام حسن(ع) بهره گیرند.

پرده‌ای که زنان را از مردان جدا می‌ساخت و به ایشان امکان عمل به فریضه علم اندوزی را می‌داده است. براین اساس ایشان می‌نوشته است آنچه را از برادر می‌شنیده و از این روست که ایشان را در کتب رجالی محدثه و فقیهه نام نهاده‌اند. نخستین محدثه و فقیهه خاندان رسول خدا(ص) ظاهراً خود پس از آن برای زنان دروس برادرش را تقریر می‌نموده است و به تفسیر آن برای زنان می‌پرداخته است. ازاین‌رو خانه عبدالله بن جعفر را می‌توان نخستین پایگاه و مدرسه علوم دینی زنانه در مدینه به شمار آورد. پس از شهادت امام حسن(ع) در ذیقعدده سال پنجاه و یکم، زینب کبری(س) با دیگر برادرش، حسین(ع) مأنوس شد و بیشتر وقت خویش را در خدمت ایشان به سر می‌برد. به جرات می‌توان حاصل تفکرات و اوج حماسه و عمل زینبی را به‌عنوان مکمل بزرگ‌ترین عمل تاریخ یعنی عمل حسینی(ع)، حاصل همین دوره ده‌ساله دانست؛ دوره‌ای که زینب(س) پس از فراگیری میراث نبوی(ص) اینک به کار بست آن می‌اندیشید.

به جهت تاریخی نخستین گزارشی که حاکی از نضج تمام و کمال چنین شخصیتی است، روایتی است که از قضا از جانب دشمنان امام حسین علیه‌السلام و زینب کبری سلام‌الله‌علیها نقل شده است. حمید بن مسلم که خود در روز عاشورای محرم سال 61هجری جزو عمله

جور و سپاهیان عمر بن سعد بن ابی وقاص بوده است، و بی‌تردید حادثه را از نزدیک می‌دیده است- بنابر روایت طبری از نسخه اصلی مقتل الحسین (ع) ابی مخنف از دی- چنین نقش زینب (س) را شرح می‌دهد: «به خدا سوگند که من هرگز مرد گرفتار و شکست خورده‌ای چون حسین ندیده بودم که فرزندان و یارانش کشته شده و او شجاع و پایدارتر مانده باشد و خواهرش زینب (س) که چون خودش بود.> (طبری، ج 5، ص 448)

این گزارش دست اول که بر اساس روایت مخالفان نهج امام علیه السلام ایراد شده است، بی‌تردید حاوی نکات بسیار پراهمیتی است که شخصیت زینب (س) را انعکاس می‌دهد. برای درک این نکته البته باید به بی‌نقشی و بی‌جایگاهی زنان در این عصر یعنی سده اول هجری توجه تام نشان داد. از این رو نقش آفرینی زینب (س) امر خلاف قاعده به شمار می‌آمده است. بنابراین این امر جایگاهی بی‌نظیر را در میان زنان به ایشان اعطا می‌کند. زنی پناه و شش ساله که به روایت حمید شخصیتی چون برادر دارد. علت آن البته روشن است. او تربیت یافته مکتب علوی، فاطمی و حسنی علیه‌السلام است که اینک در مکتب حسینی علیه‌السلام به ارائه عملی آنچه آموخته اشتغال دارد! حقیقت نیز چنین است.

چه آنکه شجاعت و پایداری زینبی (س) که همانند شجاعت و پایداری حسینی (ع) دانسته شده است، حاصل و ناشی از چه امر دیگری می‌تواند باشد؟ بنابراین باید این رابطه همانندی را به گذشته بازگردانید. جایی که شخصیت آزاده زینبی در حال شکل‌گیری بوده است. آنچنان که مشهور است، شخصیت و جوهر آدمی در برابر مصایب عظیم و سختی‌های جانکاه بروز تمام می‌یابد. شباهت زینب (س) و حسین نیز در کربلا که دشت بلا و مصیبت بوده است، به اوج خویش می‌رسد. و در صورتی بسیار پرشکوه، حوادث یکسانی بر آخرین فرزندان علی و فاطمه می‌گذرد. عمل زینبی البته بر همسر او نیز تأثیرگذار بود.

چه آنکه عبدالله پس از اعتراضات نخستین به سفر زینب (س) به مکه و کوفه دست آخر اذن خروج برای فرزندان خود و زینب (س) را صادر کرد و هرچند خود راهی نشد، عون و محمد را به همراه مادر راهی کرد. فرزندان که پس از آن، کربلا نظاره‌گر شهادت ایشان و دیگر طالبان آل ابوطالب بود و البته پس از آن شهادت امام در کربلا که نقطه عطف زندگی زینبی شد؛ چه آنکه زینب (س) پیش از شهادت برادر، از صلابت او قلبی پر صلابت می‌یافت و از بردباری او استوار می‌گشت و پایدار و از شجاعت او بی‌باک. پس از برادر اما خود مصدر صلابت و بردباری و شجاعت گشت بدان نحو که الهام‌بخش دیگران بود. مهم‌تر از همه آنکه پاسدار امامت و استمرار آن گشته بود، پس از آنکه پاسداری را در محضر برادر به عیان دیده بود. از این رو کربلا آنچنان که از حماسه‌خوانی و شجاعت‌نامه‌های زینبی اثر دارد، از درد روایت‌های زینبی چندان روایتی از خویش بر جای ننهاده است.

از این رو شهادت امام نقطه عطفی شد در زندگی زینب (س). شهیدی، کشته شد و شهیدی دیگر نقش شهادت زد. بنابراین می‌توان مهم‌ترین وجهه شخصیت زینبی را استمرار شهادت دانست چه آنکه او جز شهادت در معنای کشته شدن در راه خدا و نثار خون فی سبیل‌الله تمام مقامات شهادت را حائز گشت و مهم‌ترین مقامش آن بود که به وجه‌الله نظر می‌کرد. از این رو حقیقت توحید افعالی را که از پدر فرا گرفته بود، به عیان تجربه کرد و این جمله پدر را که «هیچ چیز را ندیدم، جز آنکه پیش و پس و همزمان آن، خدا را به عیان دیدم.> خود تجربه کرد و پس از مشاهده آن مصایب عظیمه به زبان آورد که «جز زیبایی چیزی ندیدم.> و این مرتبتی است اعلی از توحید افعالی که جز اعتقاد بدان در عمل نیز چنین ببینیم.

این جمله زینبی البته با این جمله پدر که «به خدای کعبه رستگار شدم> نیز شانه به شانه می‌زند و چون آن، موج توحیدی را می‌توان در آن نیز پی گرفت. دیدن زیبایی که هرچند در دنیای محسوس امری نسبی است، اما نوع اخروی و آن دنیایی آن مطلق است نشانگر آن است که زینب (س) وحدت را در پس کثرت‌ها و تنوعات دنیوی دیده است. از این رو زینب (س) دیگر مقام شهادت را که گواهی است، نایل آمده است؛ گواهی و شهادتی که شاهدی چون زینب (س) ایفا می‌کند، البته با چشمان سر نبوده است.

بلکه به چشمان سر میسر می‌گردیده است. دیدن و گواهی دادن به آنکه تمام امور در برابر خداوند و در مرآ و مسمع او روی می‌دهد و در عین حال مرتبط دیدن هر حادثه‌ای با حضرت او- جل و علی- در فرهنگ قرآنی- آنجا که خداوند قصد نشان دادن حقایق امور را به ابراهیم خلیل علیه السلام- دارد، ملکوت نام دارد. و دیدن ملکوت پی بردن به باطن و حقیقت نیازمند هر موجودی است، که امری به‌شمار می‌رود و ورای استدالات عقلی و نقلی جای دارد. زیبایی نابی که زینب (س) برای دشمنان خدا توضیح می‌دهد و دربار سبز امویان را دمشق به لرزه می‌افکند به واقع همان امر واحد باطنی است، همان ملکوت است که اینک زینب (س) بدان نایل آمده و ملکوتی شده است. در این معنا می‌توان کار زینبی را همان کار حسینی دانست.